

«وقایع اسرائیلیه» در گزارشی سیاست‌ها و پیامدهای ساخت دیوار حائل را بررسی می‌کند

۷۲۰ کیلومتر آپارتاید



پوریا سفتانی زاده

در حالی که اسرائیل به سمت الحاق رسمی کرانه باختری به سرزمین‌های اشغالی پیش می‌رود، دیوار حائل ایزاری مهم در الحاق غیرقانونی و مستمر آن است. مسیر دیوار به‌گونه‌ای طراحی شده که تقریباً ۴۶ درصد از کرانه باختری را به‌طور عملی به اسرائیل ملحق کند و جوامع فلسطینی را در نواحی جداسازی شده محصور کند.

صبح زود یکشنبه، «ساهر» احساس کرد فرصتی نادر برای عبور از دیوار حائل اسرائیل پیش آمده است. او پیش‌بینی می‌کرد که نیروهای اسرائیلی درگیر تبعات حملات موشکی ایران باشند، بنابراین تصمیم گرفت شروع به بالا رفتن از دیوار کند.

او حدود ۱۵ دقیقه زمان نیاز داشت تا به آن سوی دیوار برسد؛ اما در حین بالا رفتن، ناگهان یک گشت اسرائیلی ظاهر شد: «وحشت کردم، طناب را رها کردم و سقوط کردم.»

ساهر از بالای دیوار حائل سقوط کرد، جایی که ارتفاع آن در برخی نقاط به ۸ متر می‌رسد؛ «یک لحظه فکر کردم که مرده‌ام. صدای صحبت کردن به عبوری را می‌شنیدم. سپس درد شدیدی در تمام بدنم احساس کردم.» یک تیم امدادی فلسطینی او را به بیمارستان رام‌الله منتقل کرد، جایی که پزشکان شکستگی‌های متعدد دنده و نیاز به بستن بریس برای او را تشخیص دادند.

ساهر کارگری فلسطینی بود که قصد داشت با عبور از دیوار حائل خود را به محل کارش در شهر ریشون لئسیون برساند، ولی سربازان اسرائیلی با شلیک به سمت او مانع این کار شدند.

وقایع اسرائیلیه

مثلاً این حصار سیاسی نیست

ساخت دیوار در ژوئن ۲۰۰۲ آغاز شد. بر اساس نقشه‌های اسرائیلی، طول دیوار حدود ۷۲۰ کیلومتر و هزینه نهایی آن ۳٫۴ میلیارد دلار برآورد شده است. مسیر دیوار پیچ‌درپیچ است و بخش عمده‌ای از زمین‌های کرانه باختری را دربر می‌گیرد. در برخی مناطق، مانند قلقلیه، دیوار باعث ایجاد محاصره کامل شهر یا مجموعه‌ای از روستاها شده است.

دولت آریل شارون در ژوئن ۲۰۰۲ تصمیم به احداث سد امنیتی گرفت. وزیر دفاع وقت، بنیامین بن الیعازر، اظهار کرد: «ما مجبوریم دیواری بسازیم که تنها ابزار کاهش نفوذ این عاملان انتحاری زن و مرد است.» او تأکید کرد: «این حصار سیاسی نیست و مرز محسوب نمی‌شود.»

شارون در ابتدا با ساخت حصار مخالف بود، زیرا نگران بود که این اقدام به‌معنای به‌رسمیت‌شناختن خط آتش بس ۱۹۴۹ به‌عنوان مرز نهایی تلقی شود؛ اما تحت فشار سیاسی و عمومی، او عقب‌نشینی کرد. یهودیانی که در کرانه باختری و خارج از مسیر برنامه‌ریزی شده حصار زندگی می‌کردند، احساس بی‌دفاعی داشتند و نگران بودند که اگر حصار در آینده به مرز سیاسی تبدیل شود، مجبور به نقل مکان به پشت آن شوند. برخی از مقامات اسرائیلی، مانند شیمون پرز، نگران بودند که حصار دیپلماسی را دشوارتر کند، هرچند مقامات اسرائیلی استدلال می‌کردند که این حصار موقتی است و در صورت دستیابی به توافق صلح با فلسطینی‌ها، می‌توان آن را جابه‌جا یا برچید. طول کامل دیوار حائل شامل بخش‌های ساخته‌شده، در حال ساخت و برنامه‌ریزی شده ۷۱۲ کیلومتر است؛ یعنی بیش از دو برابر طول خط

سبز که ۳۲۰ کیلومتر طول دارد. اگر ساخت کل مسیر برنامه‌ریزی شده تکمیل شود، ۵۲۶۶۷ هکتار زمین معادل ۹٫۴ درصد از کرانه باختری، شامل مناطق الحاق‌شده به مرزهای شهری اورشلیم، از بقیه کرانه باختری جدا خواهد شد.

مسیر «دیوار حائل» با گسترش به داخل کرانه باختری، این سرزمین را قطعه‌قطعه کرده و جوامع فلسطینی همسایه را از یکدیگر و از زمین‌هایشان جدا می‌کند. فشارهایی که این جدایی بر امکان ادامه زندگی وارد می‌آورد، همراه با از میان رفتن فرصت‌های توسعه پایدار، به تثبیت عملی الحاق مناطق غرب دیوار به اسرائیل کمک می‌کند. در برخی از این نواحی و محصورها، شمار فلسطینیان به‌دلیل همین فشارها کاهش یافته است. دیوار همچنین به روابط تجاری دیرینه میان جوامع فلسطینی نزدیک خط سبز و شهروندان اسرائیلی ضربه‌زده است.

مشکل جای دیگر است

در دسامبر ۲۰۰۳، مجمع عمومی سازمان ملل از دیوان بین‌المللی دادگستری (ICJ) خواست تا نظر مشورتی خود را درباره «پیامدهای قانونی ناشی از ساخت دیواری که توسط اسرائیل، قدرت اشغالگر، در سرزمین‌های فلسطینی اشغالی، از جمله در اطراف قدس شرقی، ساخته می‌شود»، صادر کند. اسرائیل صلاحیت دیوان برای رسیدگی به این موضوع را به چالش کشید و از ارائه استدلال‌های مفصل درباره ماهیت قضیه، از جمله توجیهات امنیتی برای ساخت دیوار خودداری کرد.

در جولای ۲۰۰۴، دیوان دادگستری بین‌المللی نظر مشورتی خود را

صادر کرد و اعلام نمود که ساخت دیوار مغایر با قوانین بین‌المللی است. هرچند این نظر مشورتی الزام‌آور نیست؛ اما تفسیر دیوان از قوانین بین‌المللی باید با وزن کامل خود مورد توجه قرار گیرد. دیوان به آسیب‌هایی که ساخت دیوار به حقوق بشری و اصول انسانی وارد کرده است، اشاره نمود و اظهار داشت که دیوار بسیاری از حقوق و آزادی‌های فلسطینیان را نقض کرده است.

با این حال، «عصام عبدین»، وکیل حقوقی سازمان‌الحقوق گفت که از آن زمان تاکنون اقدام جدی و ملموسی در زمین مشاهده نشده است. او گفت: «مشکل از حکم ICJ یا قوانین بین‌المللی نیست، بلکه از فرهنگ مصونیتی است که اسرائیل، به‌عنوان قدرت اشغالگر، از آن بهره‌مند است و از مجازات می‌گریزد.»

بتن، سیم خاردار، خندق و...

اسرائیل در ساخت دیوار در مناطق مسکونی از بتن مسلح با ارتفاع ۴٫۵ تا ۹ متر استفاده کرده است؛ اما در مناطق کم‌جمعیت‌تر، از حصارهای الکتریکی بهره برده است. تنها ۱۵ درصد از مسیر دیوار بر مرزهای ۱۹۴۸ منطبق است و بخش عمده‌ای از آن در داخل اراضی اشغالی ۱۹۶۷ کشیده شده است. در برخی مناطق، دیوار تا عمق ۲۲ کیلومتر وارد کرانه باختری می‌شود.

علاوه بر دیوارهای بتنی، ساختار این حصار شامل حصارها، خندق‌ها، سیم خاردارها، مسیرهای شنی شخم‌زده، سیستم نظارت الکتریکی، جاده‌های گشتی و یک منطقه حائل است (که در اینجا به آن «دیوار» گفته می‌شود این ساخت‌وساز سبب شده بیش از ۵ هزار فلسطینی میان خط سبز و دیوار در مناطق حائل قرار گیرند. اسرائیل همچنین شبکه‌ای از دروازه‌ها و نظام ویژه مجوزهای عبور برای تردد از دیوار ایجاد کرده است.

شبکه کنترل

«عمر شاکر»، مدیر بخش اسرائیل و فلسطین در سازمان دیده‌بان حقوق بشر، گفت دیوار حائل تأثیر مستقیمی بر زندگی روزمره فلسطینی‌ها گذاشته است؛ از جمله جدایی هزاران فلسطینی از

وقایع اسرائیلیه

یکدیگر، از زمین‌های کشاورزی شان و از زیرساخت‌ها و خدمات حیاتی. او اظهار داشت: «خود دیوار بخشی از شبکه کنترل و نقض حقوقی است که فلسطینی‌ها هر روز آن را تجربه می‌کنند.» عمر شاکر ادامه داد، این امر بر «توانایی آن‌ها برای دسترسی به خدمات، مدارس، بیمارستان‌ها، زمین‌های خود و همچنین ارتباط با سایر فلسطینی‌هایی که از این مناطق و اجتماعات جدا شده‌اند» تأثیر می‌گذارد. طبق گزارش سازمان تسلیم، دست‌کم ۱۱۰۰۰ فلسطینی در «مناطق حائل زندگی می‌کنند؛ مناطقی که میان خط سبز و دیوار قرار دارند و از بقیه جمعیت فلسطینی جدا شده‌اند. زندگی این ساکنان کاملاً وابسته به دریافت مجوزهای اقامت از اداره مدنی اسرائیل است؛ تنها برای اینکه بتوانند در خانه‌های خود باقی بمانند.» تسلیم همچنین گزارش می‌دهد: «مجزوها باید دائماً پیش از انقضا تمدید شوند تا ساکنان بتوانند همچنان در خانه‌های خود زندگی کنند.» مدت اعتبار این مجوزها از یک روز تا چند سال متفاوت است.

دیوار حائل همراه با صدها مانع و ایست‌وبازرسی، نه‌تنها حرکت فلسطینی‌ها را مختل کرده، بلکه به اقتصاد فلسطین نیز آسیب‌زده است. شاکر گفت: «بدون شک اثر قابل توجهی بر اقتصاد فلسطین دارد. بانک جهانی در سال ۲۰۱۳ تخمین زد که محدودیت‌های حرکتی، سالانه ۳٫۴ میلیارد دلار به اقتصاد فلسطین خسارت وارد کرده است.» این اما تنها بخشی از مشکلاتی بود که فلسطینی‌ها با آن درگیر هستند. در ژانویه امسال، رقیه جهالین چهارساله، همراه مادر و پنج خواهر و برادرش، در یک تاکسی منتظر بازرسی در تنها ایست‌وبازرسی ورودی و خروجی روستای شان، بیت اکساء در کرانه باختری بودند. بازرسی‌های ارتش اسرائیل یا پلیس مرزی معمولاً باعث می‌شود ورود به این روستای محاصره‌شده زمان بر باشد. همه‌چیز عادی به نظر می‌رسید تا اینکه ناگهان پلیس مرزی شروع به تیراندازی بی‌هدف کرد و گلوله به کمر رقیه اصابت کرد.

بر اساس گزارش روزنامه اسرائیلی هآرتص، عایشه – مادر رقیه – برای کمک فریاد زد؛ اما از ترس اینکه خودش نیز هدف قرار گیرد، نمی‌توانست از خودرو خارج شود. راننده با اورژانس تماس گرفت؛ اما نیروهای امنیتی

نه اجازه دادند آمبولانس عبور کند و نه پدر کودک بتواند از ایست‌وبازرسی بگذرد. پس از ۱۵ دقیقه، رقیه در آغوش مادر جان داد.

الحاق تدریجی کرانه

اسرائیل مدعی است که انگیزه اصلی ساخت دیوار، تأمین امنیت و جلوگیری از عملیات فلسطینی‌هاست. با این حال، اهداف راهبردی اصلی آن فراتر از این ادعاهاست؛ ایجاد عمق راهبردی امنیتی برای اسرائیل، محاصره جمعیتی فلسطینیان و تسلط بر منابع گسترده آب زیرزمینی کرانه باختری را می‌توان از اهداف مهم این اقدام برشمرد. همچنین از منظر سیاسی، دیوار به‌عنوان ابزاری برای تقویت موضع اسرائیل در مذاکرات عمل می‌کند؛ به‌گونه‌ای که این کشور بتواند موضوع شهرک‌ها را در برابر پرونده‌های حساس دیگر مانند پناهندگان و مرزها مورد معامله قرار دهد. علاوه‌براین، اسرائیل از این دیوار برای کنترل مرزهای شرقی خود و جلوگیری از برقراری ارتباط طبیعی میان فلسطینیان و اردن بهره می‌برد. به‌طور کلی اما می‌توان هدف اصلی و اساسی اسرائیل در پس ساخت دیوار

حائل را، در واقع، الحاق تدریجی کرانه باختری به سرزمین‌های اشغالی دانست. این هدف به‌ویژه در مسیر ساخت دیوار و تعیین مرزهای آن نمایان است. درحالی‌که اسرائیل خود را موظف به اجرای سیاست‌های امنیتی می‌داند، این دیوار در عمل زمین‌های فلسطینیان را به‌طور قابل توجهی از هم جدا کرده و عملاً اراضی تحت اشغال اسرائیل را گسترش می‌دهد. مسیر دیوار نه‌تنها بر اساس نیازهای امنیتی، بلکه به‌طور استراتژیک در مناطقی از کرانه باختری طراحی شده که از لحاظ جغرافیایی و منابع طبیعی برای اسرائیل ارزشمند هستند. به‌عنوان مثال، مناطق نزدیک به منابع آب زیرزمینی و اراضی کشاورزی مهم در نزدیکی شهرک‌های اسرائیلی، به‌طور عمده در مسیر دیوار قرار گرفته‌اند.

در این راستا، دیوار به ابزاری تبدیل شده است که نه‌تنها از منظر امنیتی، بلکه در جهت تثبیت اشغال اسرائیل و گسترش آن‌ها به‌کار می‌رود. این اقدام در عمل منجر به افزایش فشار بر فلسطینی‌ها، کاهش فضاهای قابل زندگی و محاصره اجتماعات فلسطینی در مناطقی خاص می‌شود. این تحولات، در نهایت به اسرائیل اجازه می‌دهد که اراضی بیشتری را به‌طور غیررسمی به سرزمین‌های اشغالی ضمیمه کند و بر روند مذاکرات صلح فشار وارد آورد.



پدر بزرگ این دخترها زمانی در هر دو سوی دیوار مغازه داشت؛ کسب‌وکارش رونق داشت، اما بعد از ساخت دیوار، ناچار شد همه را تعطیل کند. «قبلاً با همسایه‌هایی که حالا آن طرف دیوارند، رفت‌وآمد داشتیم، اما کمک‌کم دیگر آن‌ها را ندیدیم. اگر دیوار نبود، می‌توانستیم به دیدن خاله‌مان برویم... حتی به دریا. حتماً زندگی آن طرف بهتر است.»



برخلاف قوانین بین‌المللی و حتی برخلاف هدف اعلام‌شده ساخت دیوار – یعنی جلوگیری از حملات فلسطینیان داخل اسرائیل – بخش عمده مسیر دیوار در داخل کرانه باختری کشیده شده است؛ جایی که به جای جدا کردن اسرائیلی‌ها از فلسطینی‌ها را از یکدیگر جدا می‌کند. خیابان‌ها و محله‌هایی که زمانی به هم پیوسته و یکپارچه بودند، امروز به دنیایی از هم گسسته و بی‌ارتباط تبدیل شده‌اند. مسیر دیوار، معیشت بسیاری از خانواده‌ها را نابود کرده و در موارد فراوان، مردم را بیش از پیش وابسته به کمک‌های بشردوستانه ساخته است